

ایران در ادبیات فرانسه



چند کلمه درباره این کتاب

ایران ، این سرزمین کهنسال و پست و بلند دیده ما ، از دیر باز يك كانون فروزان ذوق و فکر و هنر ، و يك منبع بزرگ الهام برای هنرمندان و متفکرین دیگر سرزمینهای جهان بوده است . از قدیمترین آثار ادبی عهد باستان : کتابهای مقدس یهود و هندی و مسیحی گرفته تا بامروز ، بزرگترین شعرا ، بزرگترین نویسندگان ، بزرگترین هنرمندان و متفکرین جهان ، بیش یا کم از ادب و هنر و فکر ایرانی الهام گرفته اند .

در جمع پر جلال نواغ چند هزار ساله هنر و ادب جهان ، کمتر نویسنده و شاعر و کمتر متفکر واقعاً بزرگی میتوان یافت که با این سرزمین و گنجینه های فکر و ذوق و هنری که بدنیا ارمغان داده آشنائی نداشته و بنحوی از آن یاد نکرده باشد .

بزرگترین شخصیت های ادبی دنیای قدیم : هوراس ، اشیل ، سنک ، بزرگترین شعرا و نویسندگان دنیای جدید : دانته ، شکسپیر ، گوته ، هوگو ، ولتر ، میلتن ، هاینه ، نیچه ، پوشکین ، کرنی ، راسین ، لافونتن ،

لامارتین ، لرمانتوف ، بایرن ، شلی ، امرسون ، ادگارپو ، کالدرون ، کاموئیس ، موتسکیو ، روسو ، ماتسونی ، لئوپاردی ، آناطول فرانس ، تاگور ، ژید و صدها دیگر از نوابغ شعر وادب در شرق و غرب جهان ، همه در آثار جاودانی خود کم و بیش از کشور ایران ، از تمدن و فرهنگ ایران ، از ذوق و هنر ایران نام برده و آنرا ستوده‌اند . حتی بسیاری از شاهکار های ادب و هنر در کشورهای مختلف جهان ، اساساً وقف ایران شده . چندین اثر دراماتیک عالی کرنی وراسین ورترو وولتر در فرانسه ، مارلو در انگلستان ، گریل پارتسر در اتریش ، متاستازیو در ایتالیا ، اخیلوس در یونان ، چندین اثر شاعرانه مثل «لاله‌رخ» تامس‌مور ورستم و سهراب ماتیو آرنلد در انگلستان ، دیوان شرقی گوته ورستم و سهراب روکرت و دیوان بودنشتدت در آلمان ، «کوروش کبیر» مادموازل - دواسکودری و «نامه‌های ایرانی» موتسکیو و «بسوی اصفهان» پیرلوتی در فرانسه ، نمونه‌هایی ازین شاهکار های بدیع ذوق و هنر بشری است که همه ، انعکاسی از فروغ جاودانی ایران در آئینه‌های مختلف است . بقول حافظ ما :

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود
یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

تاریخ گذشته ایران و آئین و فلسفه مذهبی ایران باستان ، دوسرچشمه بزرگ الهام شعرا و نویسندگان و نقاشان و مجسمه‌سازانی است که آثار ادبی و هنری برجسته‌ای درباره این کشور پدید آورده‌اند . ولی بزرگترین این منابع الهام ، چهار شخصیت جاودانی تاریخ ایران: فردوسی وخیام و سعدی و حافظند . کسی که آثار نویسندگان و شعرای بزرگ خارجی را در دوسه قرن اخیر ورق بزند ، از تکرار پیایی اسامی حافظ و سعدی و فردوسی وخیام ، و توجه بدرجه تجلیلی که دنیا از این نیمه خدایان ما کرده ، بتعجب درمیآید . برای خودمن ، در طول مطالعات گذشته ، مخصوصاً مطالعات چندساله‌ام برای فراهم آوردن این مجموعه ، هیچ چیز مطبوعتر از آن نبوده است که درحین ورق زدن مجموعه شعری از کشوری دور افتاده مثلاً پرو یا ونزوئلا یا شیلی یا پرتغال ، که شاید مردم آن جز نامی ساده از ایران شنیده و شاید یک نفر ایرانی نیز در تمام عمر خود ندیده باشند ، با اثری از یک شاعر یا نویسنده بزرگ آن کشورها برخورد کنم که درباره سعدی و حافظ وخیام سروده شده است . بزرگترین شاعره امریکای جنوبی ، گابریلامیسترال ، وقتیکه میخواهد کمال زیبایی را توصیف کند ، آنرا به رباعی خیام تشبیه میکند . از نویسنده معروف پرو ، گارسیا کالدرون ، غالباً یک قطعه شعر بعنوان شاهکاری از نظم امریکای لاتین نقل میشود ، که «عمر خیام» نام دارد . یک قطعه کوتاه شاعره نامی فرانسه ، مارسلیین دبردوالمور را از حیث ارزش باهمه آثار دیگر او برابر نهاده‌اند ، و آن قطعه ایست که به «گل‌های سعدی» موسومست .

«ژید» نویسنده بزرگ فرانسوی، وقتیکه میخواهد حال منتهای جذبه و اشتیاق خویش را تشریح کند، میگوید: «مثل این بود که خود را در محفل حافظ مییافتم». امرسن، بزرگترین شاعر امریکائی، درجائی میگوید: «جهانگیران و نامجویان با همه بزرگی خود میگذرند و فراموش میشوند، و فقط نغمه آسمانی حافظ و شکسپیر است که با گذشت زمان بلندتر و آسمانی تر میشود». بایرن از جمالی به «زیبائی شعر حافظ» گفتگو میکند. نیچه حافظ را «سیمرغ آسمان نبوغ انسانی» لقب میدهد. هاینه شاهنامه فردوسی را «نقاشی زنده و با عظمتی که با اشعه خدائی و آسمانی مهر مقدس ایران روشن شده است» وصف میکند. سنت بوو فردوسی را «کلاسیک بزرگ عالم بشریت» مینامد و رنان شاهنامه را «سند جاودانی نبوغ خلافت نژاد آریائی» لقب میدهد.

شاید لزومی نداشته باشد که از گوته، بزرگترین شاعر و نابغه ادب آلمان، و «دیوان شرقی» او در اینجا ذکری بمیان آید، زیرا این عالیتترین اثر ادبی مربوط بایران در ادبیات جهان، بیش از آن در ایران و دنیا شهرت دارد که احتیاج بمعرفی داشته باشد. گوته در این شاهکار بدیع ذوق و ادب، مقام حافظ شیراز را آنقدر بالا نهاده، که غالباً میگویند: «در هیچ دوره ای، هیچ شاعری بدین بزرگی، باین حقارت سر تعظیم در آستان شاعری دیگر فرود نیاورده است».

زرتشت ومانی، کوروش و داریوش، فردوسی وخیام و سعدی و حافظ، اینها بزرگترین نامهای ایرانی در ادبیات جهانند، که حتماً باید دو کلمه شیراز و اصفهان را نیز بدانها افزود. هر یک از این کلمات، در عالم ادب و هنر و فکر جهان، با یک دنیا روح و معنی همراه است، بدین جهت است که طنین آنها، با گذشت چندین قرن، هنوز همچنان از چهار گوشه جهان بگوش میرسد.

فکر تدوین مجموعه ای از بهترین اشعار و نوشته های مربوط بایران در آثار شعرا و نویسندگان بزرگ جهان، نخستین بار بعد از ترجمه «دیوان شرقی» گوته برای من پیدا شد. بدیهی است «دیوان شرقی» گوته عالیتترین اثر ادب جهانی درباره ایران است، ولی بغیر از گوته بسیار نوابغ بزرگ ادب و هنر جهان هستند که در قرون و ادوار مختلف، در کشور های مختلف، بزبانهای مختلف، و با طرز فکر های مختلف، از ایران و مفاخر آن سخن گفته اند، و بسیار از آثار این نوابغ هستند که جزو شاهکار های مسلم ادب محسوب شده اند.

برای چه، مجموعه ای از همه این اشعار و نوشته ها یا لااقل از آن قسمتی از آنها که جمع آوری آن مقدور است فراهم نشود تا بدین ترتیب

يك «دیوان شرقی» خیلی کاملتر و وسیعتر بوجود آید که بجای يك شاعر و نویسنده بزرگ ، جمعی چند صد نفری از شعرا و نویسندگان بزرگ جهان ، بطور غیر مستقیم ، در پدید آوردن آن شرکت کرده باشند ؟ این کار ، کاری دشوار بود ، ولی همانقدر که دشوار بود ، مطبوع نیز بود . بدین جهت اینجانب طی سایر کارهای ادبی خود تدوین چنین مجموعه‌ای را هدف اساسی خویش قرار دادم ، و امروز خوشوقتم که از محصول چند سال کار ، مجموعه‌ای بوجود آمده است که با اینکه هنوز در دست تکمیل است و نقص بسیار دارد ، هم‌اکنون شامل آثار چند صد تن از شعرا و نویسندگان مختلف غرب و شرق است و امیدوارم ناموقع انتشار جلد های دیگر این کتاب ، این مجموعه بسیار کاملتر و مفصلتر شده باشد .

بی‌آنکه خواسته باشم درباره این مجموعه و مشکلات تدوین آن توضیحی داده باشم ، تذکر چند نکته را بخوانندگان عزیز خودم در مورد این کتاب ، لازم میدانم :

۱- در تنظیم این مجموعه سعی شده است تا آنجا که مقدور باشد ، اشعار و نوشته‌های بزرگان ادب جهان ، یا لااقل قسمتهای منتخبه از آنها ، نقل و ترجمه شود . باین وصف ، بهیچوجه ادعا نمیکنم که این مجموعه از این نظر کامل است ، زیرا ادبیات جهان آنقدر وسیع است ، و ایران ، در طول قرون بسیار ، آنقدر از لحاظ هنری الهام بخش بزرگان جهان شده ، و آنقدر هنرمندان دنیا از این سرچشمه جاودان ذوق و هنر نوشیده و سیراب شده‌اند ، که در این مورد حد و اندازه‌ای قائل نمیتوان شد . من فقط امیدوارم که نشر این مجموعه زمینه‌ای برای جلب توجه دیگر علاقمندان بهتر و فرهنگ ایران شود و همکاری آینده آنان در ایران و خارج از ایران ، بتواند مجموعه‌ای بسیار بزرگتر و کاملتر از این ، صورتی که واقعا شایسته باشد ، بوجود آورد .

۲- در نقل قطعات این مجموعه ، بخصوص در قسمت اشعار ، سعی در درج متن کامل آنها شده است ، ولی در مورد آثار مفصل یعنی تراژدیها و پیس‌های منظوم یا منشور تئاتر ، و آثاری از قبیل «لاله رخ» تامس موریا «رستم و سهراب» ماتیو آرنلد یا «رستم و سهراب» فریدریش روکرت با «اردشیر درازدست» متاستازیو یا ترانه روسی «استپان رازین و شاهزاده خانم ایرانی» و همچنین در مورد بسیاری از آثار بزرگان نثر ، چنین کاری طبعاً مقدور نبوده ، بهمین جهت بنقل چند نمونه منتخب از آنها اکتفا شده است . در انتخاب این نمونه‌ها ، سعی شده است مطالب طوری از قسمتهای مختلف يك اثر انتخاب شود که از نظر کلی ، خواننده را با موضوع تمام اثر آشنا کند .

امیدوارم معرفی این آثار ، و نقل همین نمونه‌های مختصر از آنها ،

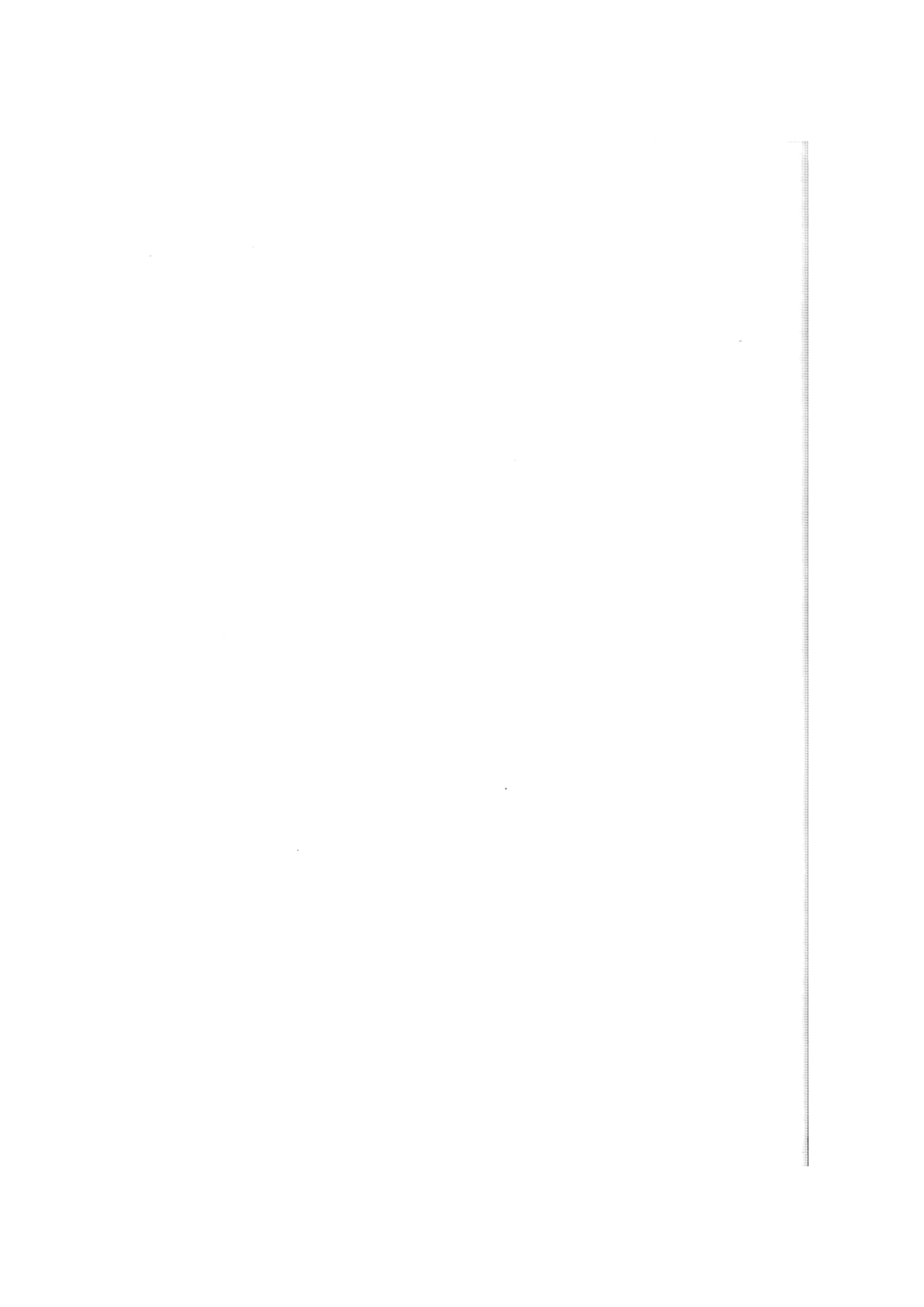
باعث شود که روزی همه آنها، که کم و بیش از شاهکارهای ادب جهانند، بطور کامل بزبان فارسی ترجمه شوند، و این کاری است که هم از نظر ادبی و هنری، و هم از لحاظ فرهنگی اهمیت بسیار دارد.

۳ - قطعات نظم و نثر خارجی که در این دوره نقل و ترجمه شده. آثاری است که شعرا و نویسندگان جهان شخصاً درباره ایران سروده یا نوشته‌اند، نه آنهاییکه از آثار ادبی ایران ترجمه شده‌اند. البته بسیاری از این قطعات از ایران الهام گرفته‌اند، ولی شاعر یا نویسنده خارجی اصل قطعه یا نوشته را خود بوجود آورده و از این حیث آنرا تبدیل باثری مستقل کرده‌است. در مورد اخیر، سعی شده است منبع الهام شاعر یا نویسنده خارجی، در حواشی آخر کتاب ذکر و در صورت لزوم عیناً نقل شود.

۴ - در مقدمه هر جلد، شرح کلی درباره نفوذ ادب و فرهنگ ایران در ادبیات کشور یا کشورهای که در آن جلد مورد بحث است، آورده شده و تاریخچه‌ای از نشر ترجمه‌های آثار مهم ادبیات ایران بدان زبان و آثار برجسته‌ای که درباره ایران در آن کشورها انتشار یافته، و همچنین شرح حال مختصری از شعرا و نویسندگان مورد نقل، بدان ضمیمه شده و توضیحات و حواشی مربوط بنوشته‌ها و اشعار نیز در پایان هر جلد چاپ شده‌است. بدیهی است منظور از این مقدمه‌ها و حواشی شرح نکات اساسی برای آشنائی کلی باموضوع است، و آنرا يك تحقیق ادبی جامع یا کامل نمیتوان دانست.

۵ - در نقل اشعار و نوشته‌ها، از بعضی آثار که اهمیت زیاد نداشته صرف‌نظر شده است، مثلاً در همین جلد مربوط به اشعار شعرای فرانسه، از نقل چندین قطعه کوتاه از: رونسار، لویزلا، ماتورن رنیه، امیل اوژی، تئودوردو بانویل، دوهردیا، سولبی پرودوم، خودداری شده، زیرا اشارات مختصری که در آنها بایران شده، ارزش نقل و ترجمه نداشته است، چنانکه در تراژدیهای « اسکندر کبیر » راسین و « محمد » و « سمیرامیس » ولتر نیز چندجا بایران اشاره شده که تخصیص صفحه‌ای بدانها ضرورت نداشته و بهمین جهت از نقل آنها خودداری شده‌است.

اسفند ماه ۱۳۳۴



یک نظر اجمالی بر آنچه نفوذ ایران

بر ادبیات و هنر و فرهنگ فرانسه

شاید رابطه فرهنگی و ادبی ایران و فرانسه را بتوان یکی از قدیمترین و ریشه‌دارترین روابط معنوی ایران با یکی از دول کنونی دنیای غرب دانست ، زیرا از روزیکه این رابطه در زمان صفویه شروع شد ، همیشه یکنوع نزدیکی فکری و ذوقی این دو کشور آسیائی و اروپائی را با وجود بعد مسافت بیکدیگر نزدیک میکرده است شاید هم این نکته که این دو کشور نسبت بهم کمتر نظر اعمال نفوذ سیاسی داشته‌اند ، بتوسعه روابط فرهنگی آنها کمک کرده باشد .
پیش از آنکه جهانگردان بزرگ خارجی ، منجمله فرانسوی ، بایران دوره صفوی ، مخصوصاً باصفهان که از بزرگترین شهرهای دنیای آنروز بود بیایند ، اروپائیان و منجمله فرانسویان ، ایران را

بیشتر از روی تاریخ جنگهای آن با یونان و روم و از نظر اشاراتی که در تورات، بخصوص در کتابهای «استر» و «دانیال» و «اشعیاء» بایران شده بود می‌شناختند. «کوروش» در نظر ایشان همیشه احترام فراوان داشت، زیرا در کتاب مقدس از او بعنوان برگزیده خاص خداوند و نجات دهنده نام برده شده بود، و «سیروپدی» کزنفون وستایشهای دیگری که یونانیان از او کرده بودند نیز ویرا بسیار محبوب کرده بود. نویسندگان و شعرای بزرگ قرن شانزدهم و اوائل هفدهم فرانسه، از قبیل:

Louise Labé, Regnier, Ronsard, Montaigne, Rabelais
و غیره، در اشاراتی که در آثار خود بایران کرده‌اند، همه صرفاً همین جنبه تاریخی را در نظر داشته‌اند.

ولی از ثلث دوم قرن هفدهم، یعنی از سیصد سال پیش، اروپائیان ازدو لحاظ دیگر شروع بشناختن ایران کردند: یکی از راه ترجمه آثار ادبی بزرگ ایران، دیگری از روی سفرنامه‌هایی که جهانگردان برجسته اروپائی در شرح مسافرت یا مسافرتهاى خود بایران دوره صفوی انتشار میدادند. البته پیش از این تاریخ نیز روابط سیاسی نسبتاً مهمی بین دو کشور ایران و فرانسه برقرار بود که مهمترین بادگار آنها، دو نامه مهم به «فیلیپ لوبل» پادشاه فرانسه از طرف سلاطین مغول ایران است که در سالهای ۱۲۸۹ و ۱۳۰۵ مسیحی نوشته شده و اکنون هردو در آرشیوهای ملی وزارت خارجه فرانسه ضبط است. ولی این رابطه را بحساب ارتباط نزدیک فکری بین دو کشور نمیتوان گذاشت.

سعدی، اولین شاعر ایرانی که اثرش بفرانسه ترجمه شد

ظاهراً اولین اثر ادبی ایران که در فرانسه انتشار یافته ترجمه گلستان سعدی است که در سال ۱۶۳۴، سیصد و بیست سال پیش، توسط André du Ryer منتشر شد. عنوان این کتاب چنین بود:

Gulistan ou l'Empire des Roses, composé par Sadi, Prince des poètes Turcs et Persans.

شاید علت اینکه سعدی پیش از سایر شعرای ایران برای ترجمه در فرانسه انتخاب شد، نزدیکی خاصی بود که بین روحیه و ذوق فرانسوی با سعدی وجود دارد، زیرا بعد از آن تاریخ نیز، تا بامروز، همیشه سعدی بیش از سایر شعرای ایران مورد پسند و علاقه فرانسویان بوده و آثار او نیز بیش از سایر آثار ادبی ایران در فرانسه ترجمه و نقل شده و مورد اقتباس قرار گرفته است، همچنانکه حافظ در آلمان و خیام در نزد آنگلوساکسها، بیشتر مورد علاقه بوده است.

سفرنامه‌ها

پنج سال بعد از انتشار این کتاب ، نخستین سفرنامه مهم مربوط بایران ، توسط Olearius در فرانسه انتشار یافت . این سفرنامه که در سال ۱۶۳۹ یعنی ۳۱۵ سال پیش منتشر شد ، حاوی شرح مسافرت ادام اولتاریوس از راه مسکو و تاتارستان بایران در زمان صفوی بود و فرانسویان را برای اولین بار متوجه کشور و دولت بزرگ ایران صفوی در آسیا کرد - ۲۵ سال بعد ، در ۱۶۶۴ ، سفرنامه مهم دیگری بقلم Pietro della Valle سیاح معروف ایتالیائی که سفر ممتدی بایران کرده بود در چهار جلد بزبان فرانسه در پاریس منتشر شد که خیلی مفصلتر و دقیق‌تر از سفرنامه اولتاریوس بود ، و بهمین دلیل با علاقه و استقبال بیشتری مواجه شد - ۱۲ سال بعد از آن ، سفرنامه دیگری که باز جالبتر و کاملتر بود ، از طرف Tavernier تحت عنوان Six voyages de Jean - Baptiste Tavernier en Perse et aux Indes

منتشر شد . ولی مهمترین سفرنامه مربوط بایران ، که میتوان انتشار آنرا آغاز فصل نوین و برجسته‌ای در تاریخ آشنائی فرانسه و بطور کلی اروپا و دنیای غرب با ایران دانست ، ده سال بعد از این تاریخ ، در سال ۱۶۸۶ ، از طرف « شاردن » سیاح معروف فرانسوی منتشر شد که عنوان آن چنین بود :

Chevalier de Chardin: Voyage en Perse et aux Indes Orientales.

شاردن اولین بار در سال ۱۶۶۵ بقصد تجارت الماس با هندوستان بایران آمد و شش سال متوالی در اصفهان پایتخت صفوی ماند . سپس به فرانسه بازگشت ، ولی اندکی بعد دوباره بایران مراجعت کرد و باز چندسال در این کشور ماند . این بار از ایران بانگلستان و سپس به هلند رفت و نخستین چاپ سفرنامه عالی و مفصل خود را که هنوز هم از کاملترین منابع اطلاعات ما و دیگران درباره زندگانی اجتماعی ایران دوره صفوی بشمار میرود ، در آمستردام انتشار داد .

درین کتاب ، شاردن بکرات از « روح بشردوستی و نزاکت فوق‌العاده ایرانیان و حسن رفتار آنها با بیگانگان و علاقه‌ای که به میهمان‌نوازی و حفظ حقوق ایشان نشان میدهند ، و حس اغماض مذهبی فراوانی که ایرانیها نسبت به پیروان سایر مذاهب دارند و در دنیای اسلامی و شرق هیچ نمونه دیگری از این اغماض در نزد سایر ملل نمیتوان یافت » سخن گفته است .

انتشار سفرنامه شاردن ، فرانسویان را که اندک اندک علاقه بسیار

شناختن این ملت بزرگ آسیائی و آشنائی بارسوم و آداب و فرهنگ و ادب و آئین آن پیدا کرده بودند معنأً بایران خیلی نزدیکتر کرد . مخالفت شدید ایران صفوی بامپراتوری عثمانی نیز که در آن زمان خطر بزرگ تمام دنیای مسیحیت بود ، به محبوبیت ایران در اروپا كمك میکرد ، بدینجهت هرچه دربارهٔ ایران ، خواه از نظر اجتماعی و تاریخی و خواه از حیث ادبی و فرهنگی ، انتشار مییافت با علاقهٔ بسیار استقبال میشد . يك سلسله رمانها و افسانه‌های بزرگ و كوچك در این دوره منتشر شد كه همهٔ آنها بایران مربوط بود ، ولی غالباً ارزش ادبی نداشت و فقط نمایندهٔ علاقهٔ فرانسویان بمطالب مربوط بایران بود . « شاپور پادشاه ایران » اثر Duperret (۱۶۶۸) ، شاهزاده‌خانم ایرانی اثر Alcın (۱۶۸۳) ، افسانهٔ ایرانی اثر Zamire (۱۶۸۷) ازین قبیلند .

ایران در تئاتر کلاسیک فرانسه

دوشادوش این « کتابهای روز » ، درهمین دوره ، یعنی در نیمهٔ دوم قرن هفدهم ، شاهکارهای ادبی و هنری بزرگی مربوط به ایران بوجود آمد كه همهٔ آنها هنوز هم از عالیترین شاهکارهای ادب و هنر فرانسه محسوب میشوند و تقریباً موضوع تمام آنها مربوط بایران باستان و مفاخر آنست ، زیرا این دوره در فرانسه مصادف با عصر پرجلال لوئی چهاردهم بود كه دورهٔ عظمت و شكوه بینظیری در تاریخ فرانسه و همهٔ اروپا بود ، وطبعاً شعرا و درام‌نویس‌ها و نویسندگان این عصر برای آثار خود سراغ دربارها و پادشاهان باعظمت گذشته و وقایع مهم تاریخی میرفتند كه دوتاریخ ایران و روم منبع پایان‌ناپذیر آن بود . درین دوره بود كه ایران ، بصورت‌های مختلف ، با بصحنهٔ تئاتر فرانسه گذاشت .

اولین اثر دراماتیک بزرگ مربوط بایران ، تراژدی معروف Corneille بنام « شاهزاده خانم اشکانی »

Rodogune, Princesse des Parthes

بود كه یکی از عالیترین آثار ادبیات و هنر کلاسیک فرانسه است و خود کرنی یکجا آنرا بهترین اثر خویش دانسته است . این تراژدی كه در سال ۱۶۴۵ بصحنه آمد و آنرا طلیعهٔ « جنبهٔ قهرمانی و خارق‌العاده » آثار کرنی شمرده‌اند ، شرح پیروزی مهردادكبير اشکانی و شكست سلوکی‌ها (جانشینان اسکندر) بدست پارتها است ، ونمایش آن با چنان موفقیتی مواجه شد كه پردهٔ پنجم آنرا هنوز « يك زیبایی بالاتر از حد بشری » توصیف میکنند .

سه سال بعد ، در ۱۶۴۸ ، تراژدی دیگری بنام خسرو Cosroès با بصحنهٔ تئاتر گذاشت - این تراژدی کلاسیک كه از شاهکارهای

Rotrou یکی از سه نویسنده درجه اول تراژدی فرانسه (کرنی ، رترو ، راسین) بشمار میرود ، واز حیث صحنه‌پردازی تأثیر آنرا کم‌نظیر شمرده‌اند ، صحنه‌ای از تاریخ ایران در آخر دوران سلطنت خسرو پرویز شاهنشاه ساسانی است . تراژدی « خسرو » که نمایش آن با موفقیت فراوان مواجه شد ، يك اثر پراز انترك و توطئه آمیخته با عشق و انتقام و کینه و گذشت و فداکاری است که « رترو » در واقع آنرا وسیله انتقاد ضمنی از دسیسه بازیهای نهانی دربار فرانسه قرار داده است .

سومین اثر دراماتیک برجسته مربوط بایران ، در سال ۱۶۷۴ ، بنام Suréna, Général des Parthes توسط کرنی نوشته شد و بصحنه تأثیر آمد . تراژدی سورنا شرح یکی از پرافتخارترین صفحات تاریخ ایران باستان ، یعنی شکست کراسوس سردار معروف روم ولژیون‌های برگزیده رومی است که تحت فرمان او برای سرکوبی اشکانیان با تجهیزات بسیار باسیا آمدند ، ولی سورنا ، سردار بزرگ اشکانی ، با سپاهی که تعداد نفرات آن بسیار کمتر از رومیان بود ، آنها را بصرهای بی‌آب و علف کشانید و با شیوه جنگ و گریز خاص سواران اشکانی فرسوده کرد و بالاخره تیراندازان پارت چنان سربازان رومی را تار و مار و نابود کردند که تاریخ روم تا آنروز نظیر چنین فاجعه‌ایرا بیاد نداشت خود کراسوس در این جنگ کشته شد ، و خبر این فاجعه بطوری روم را بو حشت افکند که در روم عزای عمومی اعلام شد و بقول رنه‌گروسه ، تا مدتی هر وقت يك مادر رومی میخواست بچه خود را بترساند ، بدومیگفت : « ترا پیش پارت‌ها میفرستم » . داستان « تیراندازی پارت » که در ادبیات غربی بصورت ضرب‌المثل درآمده ، مربوط بهمین واقعه تاریخی است ، که « کرنی » آنرا بایک ماجرای عاشقانه و غم‌انگیز ، که آخر بمرگ قهرمانان آن پایان مییابد ، درآمیخته است .

در فاصله نمایش دو تراژدی « خسرو » و « سورنا » ، يك اثر ادبی برجسته ، بصورت يك کتاب مفصل ۹ جلدی ، بنام کورش‌کبیر Le Grand Cyrus توسط خانم نویسنده معروف فرانسوی : Mademoiselle de Scudéry منتشر شد که سرو صدای بسیار پدید آورد ، زیرا در لفافه حاوی انتقاد بسیار سختی نسبت بجامعه فرانسوی آن روز بود . درین کتاب ، مادموازل دواسکودری قهرمانانی ایرانی آفریده بود که در واقع شخصیتهای برجسته دوره خود او بودند ، و هر يك از آنها در لباس عاریتی خود ، باسانی قابل شناخته شدن بودند . حتی خود این خانم نیز ، بنام « سافو » در این داستان نقش مهمی برعهده داشت ، ولی آن قسمت که مربوط به « کورش » بود همهجا با تجلیل و تحسین فراوان آمیخته بود . انتشار این کتاب با موافقت

و مخالفت بسیار مواجه شد؛ بسیاری آنرا از عالیترین آثار ادبی و انتقادی شمردند و بعضی نیز مانند بوالو، شدیداً بدان حمله بردند، ولی، بهرحال، نشر آن رابطه معنوی فرانسویان روشنفکر آن عصر را با ایران زیاده‌تر کرد.

آخرین اثر هنری و ادبی بزرگ مربوط بایران در قرن هفدهم، تراژدی معروف *Esther* بود که شاید، از یکی دوتراژدی *Racine* گذشته، عالیترین اثر ادبی و هنری این قهرمان بزرگ ادب کلاسیک فرانسه باشد. سنت‌بوو منقد معروف فرانسه، این تراژدی را «جذابترین، آسمانی‌ترین و لطیف‌ترین نغمه‌پردازی این قریحه بدیع» دانسته است.

تراژدی «استر» که سراسر آن در ایران، در دربار خشایارشا میگذرد، تاریخچه‌ای پر از لطف و عشق و گذشت است که راسین آنرا از کتاب «استر» تورات نقل کرده، منتها بسلیقه خود روحیه قهرمانان آنرا تغییر داده، یعنی خشایارشا را بیش از هر چیز پادشاهی ظریف و حساس و با نزاکت و استر را که در تورات زنی حسابگر و دسیسه‌جو و تقریباً هوسباز است، دختری معصوم و احساساتی و پاک جلوه داده‌است. تراژدی استر در فصل روابط معنوی ایران و فرانسه جای مهمی دارد. راسین سه تراژدی مهم دیگر بنام اسکندر کبیر، مهرداد، بایزید دارد که هر سه کم‌وبیش بایران مربوطند، و درین کتاب قسمتهائی از دو اثر اخیر نقل شده‌است.

مونتسکیو و «نامه‌های ایرانی»

قرن هیجدهم فرانسه، از لحاظ ایران با انتشار ترجمه تازه‌ای از گلستان سعدی توسط *Allègre* شروع شد که عنوان آن چنین بود:
Gulistan ou l'empire des roses, composé par Muladini — Saadi, prince des poètes persans.

همراه این کتاب، در بیست ساله^{۱۳} اول قرن هیجدهم، بیش از ده رمان کوچک و بزرگ مربوط بایران انتشار یافت و چندین پیس دیگر تا آن بصره آمد، و این فعالیت ادبی و هنری با ورود سفیر معروف ایران محمد رضاییک بدربار لوئی چهاردهم، در سال ۱۷۱۵، بمنتهای درجه رسید، زیرا در این تاریخ بود که فرانسویان برای اولین بار یک عده ایرانی را که قبلاً فقط وصف آنانرا در کتابها خوانده بودند با چشم دیدند. ورود محمد رضا بیگ پاریس، واقعه‌ای بود که مردم پاریس سالهای سال آنرا همچنان در خاطر داشتند و در اطرافش با شاخ و برگ بسیار، داستانها میگفتند.

شش سال پس از ورود سفیر ایران پاریس بود که بزرگترین

اثر مربوط بایران در ادبیات فرانسه منتشر شد. این کتاب « نامه‌های ایرانی » *Lettres persanes* شاهکار معروف Montesquieu بود که هنوز هم از عالیترین آثار ادب فرانسه بشمار میرود، و از سال ۱۷۲۱ که برای اولین بار انتشار یافت، تا با امروز چند صدبار و شاید چند هزار بار تجدید چاپ شده است. « نامه‌های ایرانی » که مونتسکیو آنرا برای اولین بار در آمستردام با نام مستعار بچاپ رسانید، انتقاد بسیار شدید و مؤثری از افکار و آداب و زندگی اجتماعی و سیاسی فرانسه آن دوره است که بصورت نامه‌هایی بین دو ایرانی، یکی در پاریس و دیگری در اصفهان نوشته شده است. خود مونتسکیو درباره این کتاب مینویسد: « انتشار نامه‌های ایرانی در آغاز با چنان موفقیتی مواجه شد که کتابفروشها کوشیدند بهروسیله شده باشد، جلدهای دوم و سوم برای آن تهیه کنند. تا مدتی بسراغ همه نویسندگان آشنا میرفتند و بدانها میگفتند: آقا، لطفاً يك « نامه‌های ایرانی » برای من بنویسید ». از آن تاریخ تا آخر قرن هیجدهم، بیش از بیست « نامه‌های ایرانی » دیگر منتشر شد که خود مونتسکیو آنها را جوانمردانه « آثاری دلپذیر و مطبوع » نامیده، اما از هیچکدام باهمه موفقیت گذران آنها بعنوان يك شاهکار ادبی نامی باقی نمانده است.

تاریخ مانی

سیزده سال بعد، در ۱۷۳۴، اولین اثر تحقیقی بزرگ مربوط بایران بنام « تاریخ مانویت » *Histoire du Manichéisme* بقلم « ژان دوبوسوبر » بزبان فرانسه در « آمستردام » انتشار یافت و در سال ۱۷۴۹ جلد دومی نیز از طرف مؤلف آن بدان افزوده شد. نشر این کتاب، مقدمه شناساندن ایران بفرانسویان از جنبه‌ای تازه یعنی جنبه تحقیق تاریخی درباره مذهب و زبان و تاریخ و فلسفه و علوم و ادبیات ایران بود که در قرون نوزدهم و بیستم توسط مستشرقین و محققین برجسته بمنتهای توسعه خود رسید.

ایران از نظر «ولتر»

در سال ۱۷۵۶ ولتر *Voltaire*، مردی که حقا باید او را « يك شخصیت خارق‌العاده » و یکی از عجایب دنیا شمرد، پای خود را به میدان « ایران‌شناسان » گذاشت. البته در مجموعه آثار ولتر، بکرات چه در تئاترهای او (سیتها *Les Scythes* تراژدی منظوم، سال ۱۷۶۷؛ گبرها *Les Guèbres* تراژدی منظوم، سال ۱۷۶۹؛ سمیرامیس *Semiramis*، محمد *Mahomet*)، چه در فرهنگ

فلسفی Dictionnaire philosophique (سیروس، زرتشت -
 Le Monde Zoroastre - Cyrus) چه در داستانهای کوتاه و بزرگ
 comme il va، از ایران بحث شده، ولی مهمترین اثر ولتر در مورد
 ایران، فصولی از کتاب معروف او Essai sur les mœurs است که از
 عالیتزین شاهکارهای ولتر بشمار میرود و وی سالهای دراز برای نوشتن
 آن کار کرد و شاید هزاران کتاب و سند خواند. در این کتاب مفصل
 که ولتر در آن تاریخ تمدن دنیا را از قدیم تا قرن هیجدهم طبق
 روش و منطق و استدلال خاص خودش، یعنی با اتکاء با اهمیت کار
 متفکرین و هنرمندان و علماء و توجه بضررهای که سرداران و جهانگیران
 بزرگ دنیا و تمدن آن زده‌اند، شرح داده، چندین فصل مبسوط
 (مقدمه - فصل پنجم، فصل بیست و هشتم، فصل نود و هشتم، فصل
 صد و نود و سوم، فصل صد و نود و چهارم) بایران در زمان (پیش از اسلام،
 اسلام، دوره صفوی، نادرشاه افشار) اختصاص داده شده و در آن
 ولتر غالباً با علاقه و تجلیل از ایران نام میبرد. ولتر بخلاف آنهاییکه
 اسکندر را ستوده‌اند، مینویسد: «این دیوانه‌ای که هنر بزرگش
 آتش زدن تخت جمشید است، جز ترحم شایان هیچ چیز نیست.» و این
 عقیده‌ایست که «بوالو» نیز، در یکی از اشعار معروف خود، ابراز
 داشته است.

تراژدی «گیرها» که در ۱۷۶۰ توسط ولتر انتشار یافت،
 تندترین و انتقادی‌ترین اثر دراماتیک اوست، بطوریکه وی آنرا حتی با
 نام خودش منتشر نکرد و بصحنه تئاتر نیز نبرد. در «گیرها» که
 قهرمانان آن زرتشتیان ایرانی هستند ولتر نظر خود را درباره «حق
 آزادی عقیده مذهبی» که باید برای هر فرد بشری محفوظ باشد،
 تشریح کرده، و باید متوجه بود که در دوره ولتر ابراز چنین عقیده‌ای
 چقدر خطرناک و غیرعادی بوده است.

يك «تاریخ» مهم، سال ترجمه اوستا

از لحاظ فرهنگ ایران، سال ۱۷۷۱ را باید تاریخ برجسته‌ای
 بشمار آورد، زیرا در این سال بود که محقق و دانشمند بزرگ فرانسوی
 Anquetil - Duperron یکی از بزرگترین آثار مربوط بایران را
 در فرهنگ جهان، یعنی متن و ترجمه کامل زند آوستا را بزبان فرانسه
 انتشار داد. پیش از او کسان دیگری منجمله آبه پل فوشه درباره آئین
 قدیم ایرانیان مطالعاتی کرده و خلاصه این مطالعات را انتشار داده
 بودند، ولی کار هیچکدام از آنها قابل مقایسه با عظمت کار «آنکیتل-
 دوپرون» نیست. وی در سال ۱۷۵۵ به هندوستان رفت و زبان زند را

آموخت و با زحمات فراوان نسخه‌های زند و پهلوی و سانسکریت و ایرانی از کتاب مقدس زرتشتی تهیه کرد و از مجموع آنها کلکسیون فراموش آورده که شامل صد و هشتاد نسخه خطی منحصر بفرد بود. در بازگشت به پاریس، در سال ۱۷۷۱، یعنی ۱۶ سال بعد از عزیمت به هندوستان، کتابی را که شاهکار زندگی او، و یکی از بزرگترین آثار فرهنگی جهان بود انتشار داد. عنوان این کتاب که در سه جلد منتشر شد، چنین بود:

Anquetil - Duperron: Zend - Avesta, ouvrage de Zoroastre, traduit en Français sur l'original Zend, avec des Remarques.

دارمستر محقق بزرگ، درباره این کتاب مینویسد: «در تاریخ علوم و تحقیقات کمتر نمونه‌ای میتوان یافت که با این اندازه ایمان و علاقه به هدف، این اندازه شور و حرارت، این اندازه فداکاری و دلاوری توأم باشد.»

انتشار این کتاب طلیعه یک سلسله تحقیقات ممتد و عالی از طرف محققین و مستشرقین متعدد بود که نتیجه آنها بصورت کتابهای مختلف تحقیقی و تاریخی درآمد.

Bréal, Baron de Bock, Burnouf, Lafond, Hovelacque, Harley, Gasquet, Casartelli, Cumont, Darmesteter, Lefèvre, Lagrange

، و غیره و غیره، همه براهی رفتند که بدست «انکتیل-دوپرون» گشوده شده بود و تا با امروز منجر با انتشار چند صد کتاب و مقاله تحقیقی درین باره شده است.

عطار، نظامی، سعدی، حافظ، جامی، در فرانسه

اوائل قرن نوزدهم، مانند اوائل قرن هیجدهم، با فعالیت تازه‌ای در ترجمه و انتشار آثار ادبی برجسته ایران بزبان فرانسه همراه بود. در سال ۱۷۹۹، در گیرودار انقلاب کبیر فرانسه، اولین ترجمه حافظ بزبان فرانسه توسط یک انگلیسی معروف، سرویلیام جوتز، که مدتی در ایران و هندوستان بسر برده بود در لندن انتشار یافت. در سال ۱۸۰۵، نخستین ترجمه لیلی و مجنون جامی توسط «شزی» در پاریس منتشر شد. در ۱۸۱۹ دانشمند و محقق نامی فرانسوی Silvestre de Sacy که حق بزرگی بگردن ایران دارد ترجمه «پند نامه» عطار را بفرانسه منتشر کرد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت، و بسیار از بزرگان ادب از آن استفاده کردند. «گوتسه» در حواشی دیوان شرقی

معروف خود از سیلوستر دوساسی و ترجمه پندنامه با علاقه واحترام بسیار یاد میکنند .

تقریباً در همین زمان بود که خانم شاعره بزرگ فرانسوی - Marceline Desbordes - Valmore قطعه شاعرانه کوتاه ولی بسیار زیبایی خود را که از گلستان سعدی الهام گرفته بود بنام Les Roses de Saadi سرود و این قطعه بلافاصله بر سر زبانها افتاد .

در این وقت روابط سیاسی ایران و فرانسه نیز زیاد شده بود، زیرا پانزده ساله اول قرن نوزدهم، دوره‌ای بود که ناپلئون برای کسب متحدی در برابر انگلستان بنزدیکی با ایران علاقه بسیار نشان میداد و چند هیئت سیاسی و نظامی نیز نزد فتحعلیشاه فرستاد، و از این راه رابطه‌ای نزدیکتر بین دو کشور بوجود آمد؛ سفرنامه‌های متعددی در این دوره انتشار یافت که شاید مهمترین کتاب آنها « سفر بایران » Dupré باشد که مربوط به سالهای ۱۸۰۷ و ۱۸۰۸ و ۱۸۰۹ بود و در ۱۸۱۹ بانقشه ایران در دو جلد در پاریس انتشار یافت .

در سال ۱۸۲۸ ترجمه دیگری از گلستان سعدی توسط Sémelet بفرانسه منتشر شد که کاملتر از ترجمه‌های گذشته این کتاب بود، و یکسال بعد از آن ترجمه قسمتی از « اسکندرنامه » نظامی توسط Charmoy بزبان فرانسه در سن پترزبورگ منتشر شد . قسمتی که انتخاب شده بود مربوط به جنگ اسکندر با قبائل وحشی « روس » بود.

بزرگترین اثر ایرانی در ادبیات فرانسه : ترجمه « شاهنامه »

سال ۱۸۳۸ را از لحاظ فرهنگی برای ایران باید سال تاریخی دیگری بشمار آورد، زیرا در این سال بود که Jules Mohl ادیب و مستشرق و دانشمند بزرگ فرانسه ترجمه و انتشار شاهنامه فردوسی را شروع کرد . این کار چهل سال تمام یعنی تا سال ۱۸۷۷ (سال مرگ موهل) بطول انجامید، و نتیجه این مهم، که ژول موهل سراسر عمر ادبی و جوانی خود را وقف آن کرد، انتشار متن و ترجمه کامل شاهنامه فردوسی در هفت جلد بزرگ بود که عالم ادب فرانسه و تمام اروپا را بحیرت انداخت، و در محافل ادبی و علمی بصورت « يك واقعه فوق العاده » تلقی شد . این هفت جلد کتاب، که هر کدام شامل چند صد صفحه بزرگ بود، و در همه آن ترجمه همراه با متن فارسی منتشر شده بود، توسط « چاپخانه دولتی فرانسه » چاپ شد که میخواست آنرا بصورت نمونه‌ای عالی از قدرت چاپ درآورد، و همین طور هم شد . متأسفانه این نسخه‌های چاپ لوکس اول، بقدری نایاب است که تقریباً دسترسی بدانها نیست، و اکنون فقط نسخه‌های چاپهای بعدی این کتاب را، آنهم

باشکال ، میتوان یافت .

با ترجمه و انتشار شاهنامه فردوسی بفرانسه ، دنیای ادب غرب ناگهان خود را با يك اثر «خارق العاده» روبرو یافت که قبلاً تصور آنرا نکرده بود . نویسندگان ، مستشرقین ، محققین ، شعرا ، جرائد و مجلات و محافل ادبی و علمی و حتی سیاسی ، بقدری درباره این کتاب بحث کردند و بتقریب از آن پرداختند که در این جا مجال نقل جزئی از آنها نیز نیست .
 Sainte-Beuve نویسنده و منقد معروف ، که در تحسین از نویسنده یا اثری بسیار خسیس است ، يك فصل کامل از کتاب «مجاورات دوشنبه» خود را به فردوسی اختصاص داد و این تنها موردی در سلسله مفصل فصول این کتاب است که بیکنفر غیر فرانسوی تخصیص یافته است . Renan محقق و دانشمند بزرگ فرانسه بنوبه خود ، در فصل مشروحو در کتاب «تاریخ ها و سفرنامه ها» تحت عنوان Schahnameh ازین کتاب سخن گفت و شاهنامه فردوسی را «سند بزرگ نبوغ و قدرت خلاقه نژاد آریائی» لقب داد . سنت بوو نوشت : «اگر بدانیم که آثاری بدین عظمت در جهان پیدا میشوند ، این طور سبکمغزانه بخودمان غره نمیشویم» . آمپر J.J Ampère ، ادیب و مورخ معروف ، در مقاله ای که در سال ۱۸۳۹ در Revue des deux Mondes نوشت ، فردوسی را «یکی از بزرگترین شعرای عالم بشریت» نام داد و شاهنامه او را با حماسه Nieblungen آلمان و Iliade و Odyssee هم و حماسه های ملی معروف هندی مقایسه کرد و آنرا از همه آنها بالاتر شمرد . Cowell مستشرق انگلیسی نوشت : «این حماسه ادبی ، باهرچه که در دنیا بزرگ است باسانی برابری میکند . همانطور که ایلیاد هم در اروپا منحصر بفرد است ، شاهنامه فردوسی نیز در سراسر آسیا نظیر ندارد» . Nöldeke درباره شاهنامه گفت : «این حماسه ملی چنان با عظمتی است که هیچ ملتی در روی زمین ، نظیر آن را ندارد» .

آمپر ، در مقاله دیگری نوشت : «ترجمه يك کتاب ازین قبیل ، از نظر ادبی و فرهنگی ، برای يك قرن بیش از صدها اثر ادبی ارزش دارد .» لامارتین نیز در مجله «سیویلیناتور» خود با تحسین و علاقه فراوان ازین اثر نام برد .

انتشار ترجمه «شاهنامه» توسط مهل ، يك سلسله آثار شاعرانه درباره فردوسی بوجود آورد که مهمترین آنها قطعه «فردوسی» و ویکتور هوگو در کتاب «افسانه قرون» و قطعه «دوگور» فرانسوا کوپه در «داستانها و مرثی» اوست . همچنین شرح شاعرانه وزیائی که بقلم لامارتین درباره رستم نوشته شده است .

ویکتور هوگو و آئین مانی

ویکتور هوگو ، گذشته از قطعه فوق‌الذکر ، بکرات در مجموعه اشعار خود از ایران بصورت‌های مختلف نام برده ، که بهترین آنها قطعه مفصل و عالی «آئین مانی» (Manichéisme) در کتاب «خدا» است. این قطعه در حقیقت شرح معتقدات فلسفی هوگو درباره عالم آفرینش بشمار میرود ، زیرا این نکته مسلم است که مفهومی که هوگو طبق عقاید و نظریات فلسفی خاص خود برای آفرینش قائل بود ، بیش‌ازهرچیز با اصول زرتشتی بخصوص مانوی نزدیک بود. تقریباً در تمام آثار هوگو ، بخصوص در آثار شاعرانه وی ، این اصل تجزیه عالم وجود بدو قسمت خیر و شر و پیکار دائم این دو نیرو که همه چیز زائیده آنست بچشم میخورد . بزرگترین اثر شاعرانه او ، «افسانه قرون» ، از اول تا آخر بر همین اصل فلسفی متکی است . در کتابهای «سال موحش» ، «مرگ شیطان» ، «مذاهب و مذهب» ، «عقوبات» ، «تأملات» ، «خدا» ، «پاپ» ، همه‌جا این عقیده او بطور آشکارا منعکس است . قطعه معروف «مغان» نیز بر همین زمینه سروده شده است . درین مورد ، نقل قسمتی از شرح جالبی که موریس بارز Maurice Barrès نویسنده و ادیب بزرگ فرانسوی نوشته بیفایده نیست: «مانی همیشه تعلیم میداد که باید پیوند روح و جسم را هر قدر ممکنست ست تر کرد تا بتوان به کمال ادراک رسید . میگفت : خرد و تقوی ، همواره بوسیله پیامبران خدای روشنائی ، در نظر مردم روی زمین متجلی شده‌اند . این پیامبران عبارت بوده‌اند از : بودادر هند ، زرتشت در ایران ، عیسی در فلسطین ، و بعد هم من ، مانی مبشر حق و عدالت . ما این منطق را با منتهای شکوه از زبان ویکتور هوگوی خودمان شنیده‌ایم ، زیرا این منطقی است که تمام افسانه قرون هوگو و نظریه «مغان» او بر آن تکیه دارد . میتوانیم با اطمینان بگوئیم : هوگو مذهب مانوی داشت» .

(کتاب Une enquête aux pays du Levant ، فصل مربوط به یزیدی‌ها) .
 بدین ترتیب هوگو ، میان همه معتقدات فلسفی و مذاهب جهان ، بیش‌ازهرچیز هواخواه اصل اورمزد و اهریمن ایران قدیم بود و میتوان گفت که قسمت مهمی از آثار شاعرانه او که در حقیقت بزرگترین آثار شاعرانه زبان فرانسه است ، از فلسفه ایران الهام گرفته است .

همین روح علاقه بایران قدیم در یک قطعه شاعرانه بسیار زیبای «آنانول فرانس» بنام «همای» (Homai) بنظر میرسد که در آن ، نویسنده بزرگ فرانسوی ، ایرانیان و اعراب را بصورت دومظهر زیبایی و زشتی در برابر هم نهاده و طی داستان دلپذیری که ممکن است از افسانه «جودیت» در تورات الهام گرفته باشد ، اورمزد را با لطف خاصی پیروز کرده است .

ادب و فلسفه ایران در فرانسه ، در صد ساله اخیر

از نیمه دوم قرن نوزدهم بعد ، تعداد آثار تحقیقی و ادبی مربوط بایران در فرانسه ، وهمچنین شاهکار های ادبی و فلسفی ایرانی که به فرانسه ترجمه شده ، بقدری زیاد میشود که برای نقل اسامی و مشخصات آنها ، تاهمان حد که در دست است ، حتی همه این کتاب نیز کافی نیست ، زیرا صد ساله اخیر قرن توسعه فوق العاده روابط فرهنگی ملل ، و فعالیت های بی وقفه مستشرقین ، محققین ، باستان شناسان ، مورخین ، نویسندگان ، سیاحان ، دانشمندان و رفت و آمد هیئت های مختلف علمی و فرهنگی و ادبی است . بنابراین در اینجا ما مجبوریم تنها بذکر چند تاریخ مهم ، بطور سطحی و فهرست وار ، اکتفا و از نقل بقیه اسامی صرف نظر کنیم : سال ۱۸۵۰ ، انتشار کتاب عالی Michelet محقق و نویسنده بزرگ فرانسوی La Perse که اثر بدیعی در باره ایران باستان و معتقدات مذهبی آن محسوب میشود . سال ۱۸۵۷ ترجمه ، «منطق الطیر» عطار بزبان فرانسه ، باضافه متن فارسی آن ، توسط «گارسن دوتاسی» . سال ۱۸۵۸ ، نخستین ترجمه بوستان سعدی بفرانسه ، توسط Defrémery سال ۱۸۵۹ ترجمه دیگری از بوستان سعدی ، توسط گارسن دوتاسی ، سالهای ۱۸۵۸ و ۱۸۵۹ و ۱۸۶۵ سه اثر معروف کنت دوگوبینو بنام تاریخ ایران ، سه سال درآسیا ، مذاهب و فلسفه ها درآسیای مرکزی . این هر سه کتاب از مهمترین آثار تحقیقی مربوط بایران بشمار میروند ، همچنین فصل مربوط بایران در کتاب L'Inégalité des Races humaines که شخصیت خاص نژاد ایرانی را بعنوان «موجد اولین امپراتوری آریائی تاریخ جهان» تشریح کرده است . در ۱۸۸۰ اثر مهمی از Hovelacque بنام L'Avesta, Zoroastre et Mazdéisme واندکی پیش از آن اثر مهمی از Darmesteter بنام Ormazd et Ahriman, leurs origines et leur histoire منتشر شد .

سال های ۱۸۶۷ و ۱۸۶۹ ، اولین ترجمه رباعیات خیام بفرانسه ، و ترجمه تازه ای از بوستان سعدی توسط Nicolas که مدتی دراز در زمان ناصرالدین شاه در ایران بود . سال ۱۸۷۵ ، اولین اثر تحقیقی برجسته Darmesteter درباره ایران بنام «تحقیق درباره میتولوژی اوستا» .

سالهای ۱۸۸۴-۸۵-۹۳ ، سفرنامه های مهم مارسل دیولافوا و ژان دیولافوا (Marcel et Jeanne Dieulafoy) ودمرگان Demorgan که برای حفریات شوش بایران آمده بودند . از ۱۸۷۶ تا بامروز ، ترجمه های منوچهری ، ناصر خسرو ، باباطاهر ، انوری ، مرزبان نامه ، سلامان واسبال و بهارستان و یوسف و زلیخای جامی ، گرشاسب نامه اسدی ، بابافغانی ، هاتف ، یغما ، و چندین ترجمه تازه حافظ و خیام و سعدی .

اثر ادبی این دوره که باید اختصاصاً از آن نام برده شود، بسوی اصفهان "Vers Ispahan" پیرلوتی است که در سال ۱۹۰۴ انتشار یافت و بی‌تردید میتوان آنرا یکی از زیباترین آثار ادبی شمرد که در دنیا راجع بایران منتشر شده است. این کتاب مثل همه آثار لوتی با ذوق و ریزه‌کاری و قدرت فوق‌العاده تجسم و رنگ آمیزی صحنه‌ها و مناظر نوشته شده، و مخصوصاً فصول مربوط به حافظ و تخت جمشید و اصفهان آن بسیار عالی است.

ترجمه معروف باریبه دومینار Barbier de Meynard از بوستان سعدی، در سال ۱۸۸۰، نیز قابل تذکر خاص است، زیرا این کتاب بهترین ترجمه سعدی بفرانسه بشمار میرود. رنان Renan در مقاله‌ای که بمناسبت نشر این کتاب در مجله Journal Asiatique (سال ۱۸۸۰، جلد ۱۷، صفحه ۳۰) نوشته، تذکر میدهد که: «سعدی میان ما غربیه نیست، واقعاً یکی از خود ماست». و خود باریبه دومینار در مقدمه کتابش مینویسد: «سعدی ترکیبی است از ظرافت هوراس، آراستگی اووید، نیشخند رابله، سادگی لافوتتن».

از جمع بیشمار کسانی که کم یا بیش به شناساندن ایران بفرانسویان و توسعه روابط ادبی و معنوی این دو ملت کمک کرده‌اند، نقل اسامی این چند نفر خیلی لازم است: دارمستتر، هوولاک، هارلز، کلمان هوار، دمرگان، بارن دمزون، هانری ماسه، رنه گروسه، هانری ماسینیون، کلود آنه، ارتورگی؛ دواثر ماسه بنام Essai sur Saadi, و Firdawsi بسیار محققانه و عالی است.

ادبیات فرانسه در ایران، درصد سائله اخیر

به موازی این فعالیت دانشمندان و محققین و نویسندگان فرانسوی برای شناساندن ایران به فرانسویان، در عرض هفتاد سال اخیر پیوسته فعالیت شدیدی از طرف نویسندگان و محققین و مترجمین و ادبای ما برای شناساندن آثار ادبی و فلسفی فرانسه بایران صورت گرفته است. شاید ترجمه‌های داستانه‌ها و آثار ادبی فرانسه نخستین ترجمه‌های ادبیات خارجی باشد که در ایران چاپ و منتشر شده است، و هر چند فهرست جامع و دقیقی در دست نیست، میتوان با اطمینان گفت که قسمت اعظم از آثار ادبی که تا کنون از زبانهای خارجی بفارسی ترجمه شده، از نویسندگان و شعرا و داستان‌نویسان فرانسوی بوده است. لافوتتن، مولیر، مونتسکیو، برناردن دوسن پیر، شاتوبریان، لامارتین، ویکتور هوگو، بالزاک، الکساندر دوما، آنا تول فرانس، پیرلوتی، پل بورژه، امیل زولا، گی‌دوموپاسان، آندره ژید، موریس

مترلینگ ، از شعرا و نویسندگانی هستند که بیش از همه مورد توجه ایرانیان قرار گرفته‌اند . بخصوص لامارتین و هوگو و آنا تول فرانس ، که در نزد طبقه روشنفکر ایران ، باندازه شعرا و نویسندگان بزرگ ایرانی سرشناسند . در عوض مردان بزرگی مانند ، کرنی ، راسین ، ولتر ، میشله ، لکنت دلیل ، رنان ، بودلر ، پروست ، والرئ و غیره یا در ایران تقریباً ناشناسند ، یا غالباً جز اسمی از ایشان نمیشناسند ، و باید امیدوار بود که روزی بهترین آثار ایشان ، که در حقیقت شاهکار های ادب فرانسه و از شاهکارهای ادب جهان است ، و بسیاری از آثار تحقیقی مستشرقین و محققین و دانشمندان که درباره ایران نوشته شده ، بصورت شایسته‌ای بفارسی منتشر شود ، همچنانکه باید امیدوار بود که آن قسمت از آثار مهم ادبی و فکری ایران نیز که تاکنون در خارج از ایران ترجمه و منتشر نشده ، بنوبه خود انتشار یابد و از این راه ، ایران آن شخصیت و درخشندگی خاص معنوی را که همیشه داشته است حفظ کند .

چندتایخ مربوط به

ایران در ادبیات فرانسه *

۱۶۳۴ - اولین ترجمه گلستان سعدی، بزبان فرانسه، توسط

André du Ryer تحت عنوان :

Gulistan, ou l'Empire des roses. Composé Par Sadi,
Prince des Poètes Turcs et Persans.

۱۶۴۵ - اولین اثر دراماتیک بزرگ مربوط بایران : «ردگون، شاهزاده

خادم اشکانی»
Rodogune, Princesse des Parthes

از Corneille .

* در اینجا فقط چند تاریخ خاص نقل شده که از جنبه ادبی اهمیت داشته،
وگرنه تاریخچه کلی مربوط بآثار ادبی و تحقیقی و علمی مربوط بایران در فرانسه
آنقدر مفصل است که نقل آن از گنجایش چنین کتابی بیرون است .

- ۱۶۴۸ - «خسرو» Cosroès تراژدی معروف Rotrou .
 ۱۶۵۰ تا ۱۶۶۰ - «کوروش کبیر» Le Grand Cyrus یا Artamène
 اثر ادبی معروف مادموازل دو اسکودری
 Mademoiselle de Scudéry در ۹ جلد .
 ۱۶۷۴ - «سورنا ، سردار اشکانی» Suréna, Général des Parthes
 آخرین تراژدی Corneille .
 ۱۶۸۸ - Esther تراژدی عالی Racine .
 ۱۷۰۴ - ترجمه گلستان سعدی ، توسط Allègre ، تحت عنوان :
 Gulistan ou l'empire des Roses, Composé Par Muladini
 Saadi, Prince des Poètes Persans.
 ۱۷۲۱ - نامه های ایرانی ، Lettres Persanes ، بقلم Montesquieu .
 ۱۷۵۶ - تحقیق تاریخی عالی مربوط بایران ، در کتاب
 Essai sur les mœurs اثر Voltaire .
 ۱۷۶۹ - «گبرها» Les Guèbres تراژدی Voltaire .
 ۱۷۷۱ - متن و ترجمه کامل زند آوستا توسط Anquetil - Duperron
 تحت عنوان :
 Anquetil - Duperron : Zend - Avesta, ouvrage
 de Zoroastre, traduit en français sur l'original,
 avec des remarques. 3 volumes. Paris.
 ۱۷۹۵ - تأسیس آموزشگاه دولتی زبان فارسی در پاریس .
 ۱۷۹۹ - اولین ترجمه حافظ بزبان فرانسه ، توسط «سرویلیام جونز»
 انگلیسی ، چاپ لندن .
 ۱۸۰۵ - ترجمه لیلی و مجنون جامی بفرانسه ، توسط A. L. Chézy
 بنام :
 Medjnoun et Leila, Poème traduit du Persan de
 Djamy.
 ۱۸۱۹ - ترجمه «پندنامه» عطار بزبان فرانسه ، توسط
 Silvestre de Sacy تحت عنوان :
 Pind- - Nameh, ou le Livre des Conseils, traduit
 et publié par M. le Baron Silvestre de Sacy.
 ۱۸۲۸ - ترجمه گلستان سعدی توسط Sémelet ، تحت عنوان :
 Gulistan ou le Parterre des fleurs, du Cheikh
 Mosliheddin Saadi de Chiraz, avec des notes
 historiques et grammaticales.

- ۱۸۲۹ - اولین ترجمه نظامی بزبان فرانسه ، قسمتی از «اسکندرنامه» ،
توسط Charmoy ، چاپ سن پترزبورگ .
- ۱۸۳۸ - شروع ترجمه و انتشار شاهنامه فردوسی بزبان فرانسه ، توسط
مستشرق و ادیب بزرگ فرانسوی Jules Mohl ، که مدت
چهل سال تا ۱۸۷۷ (سال مرگ موهل) بطول انجامید ، و چاپ
اصلی آن (۱۸۳۸ - ۱۸۷۸) با متن فارسی از طرف چاپخانه
دولتی فرانسه بعنوان «شاهکار چاپ» در ۷ جلد بزرگ منتشر
شد ، تحت عنوان :
- Le livre des Rois, par Abou'l Kasim Firdousi,
publié, traduit et commenté par Jules Mohl,
7 vol.
- ۱۸۵۰ - La Perse ، اثر ادبی معروف Michelet .
- ۱۸۵۱ - اولین ترجمه از خیام بفرانسه ، توسط Waepcke استاد دانشگاه
بون ، تحت عنوان: L' Algèbre d' Omar Al - Khayyami
۱۸۵۷ - ترجمه «منطق الطیر» عطار بزبان فرانسه ، توسط
Garcin de Tassy با متن فارسی ، تحت عنوان :
- Mantic - Uttair, ou le langage des oiseaux, Poème de
philosophie religieuse.
- ۱۸۵۸ - نخستین ترجمه بوستان سعدی بفرانسه ، توسط De Frémery
تحت عنوان : Bostan, poème de Sadi.
- ۱۸۵۹ - ترجمه بوستان سعدی توسط Garcin de Tassy تحت عنوان:
Le Bostan, Poème moral de Saadi, analyse et
extraits.
- ۱۸۵۹ و ۱۸۶۵ - سه اثر ادبی و تحقیقی معروف Comte de Gobineau
درباره ایران ، بنام :
- Tistoire des Perses, Trois ans en Asie,
Les religions et les philosophies dans l'Asie Centrale.
- ۱۸۶۷ - اولین ترجمه رباعیات خیام بفرانسه ، توسط J.B.Nicolas بنام :
Les quatrains de Khéyam.
- ۱۸۶۹ - ترجمه تازه بوستان بفرانسه ، توسط J.B. - Nicolas بنام :
Le Boustan, Poème Persan de Saadi.
- ۱۸۷۶ و ۱۸۸۷ - ترجمه دیوان منوچهری بزبان فرانسه ، با متن فارسی ،
توسط Alberstein - Kazimirski ، تحت عنوان :

Menoutchehri, poète persan du xième siècle de notre ère. Texte, traduction, notes et introduction historique

۱۸۷۸ - اثر برجسته Hovelacque بنام « صرف و نحو زبان زند »
Grammaire de la langue zend

۱۸۸۰ - ترجمه سعادت نامه ناصر خسرو و زبان فرانسه ، بانضمام متن فارسی ،
توسط Fagnan تحت عنوان :

Nassir eddin Khosrou: Le livre de la félicité. Poème Persan avec traduction française.

۱۸۸۰ - کاملترین ترجمه بوستان سعدی بفرانسه ، توسط
Le Boustan ou Verger Barbier de Meynard بنام :
۱۸۸۲ - ترجمه متن کامل اوستا ، توسط C. de Harlez بنام :
Avesta, livre sacré des sectateurs de Zoroastre,
traduit d'après le texte zend.

۱۸۸۳ - مطالعات ایرانی Etudes Iraniennes ، بقلم Darmesteter
دو جلد .

۱۸۸۴ - ۱۸۸۵ - هنر باستانی ایران ، بقلم Marcel Dieulafoy

تحت عنوان : "L'Art antique de Le Perse".

۱۸۸۶ - ترجمه ترانه های باباطاهر بفرانسه ، توسط Clément Huart
بنام :

Les quatrains de Baba Tahir Uryan, en pehlevi musulman, publiés, traduits et annotés par Cl. Huart.

۱۸۸۷ - دارمستتر : ریشه های شعر ایران .

Darmesteter: Les origines de la poésie persane.

۱۸۹۰ - ترجمه «مرزبان نامه» Merzeban-Nameh بفرانسه .

۱۸۹۲ - ۱۸۹۳ - ترجمه کامل «زند آوستا» بفرانسه ، توسط Darmesteter

تحت عنوان :

Le Zend - Avesta, traduction nouvelle avec commentaires historiques et philologiques.

۱۸۹۵ - ترجمه قسمتی از دیوان «انوری» بفرانسه ، Henri Ferté.

۱۸۹۶ - ترجمه قسمتی از دیوان «یغما» بفرانسه ، توسط

. Amédée Querry

- ۱۹۰۴ - «بسوی اصفهان» Vers Ispahan، اثر معروف Pierre Loti .
Dictionnaire persan - français انتشار ۱۹۱۵ تا ۱۹۰۸
در مدت هفت سال، توسط Baron Demaisons .
- ۱۹۱۱ - ترجمه «سلامان و ابسال جامی» بفرانسه توسط A. Bricteux
تحت عنوان :
- Salaman et Absal, poème allégorique persan.
- ۱۹۱۳ - ترجمه تازه‌ای از گلستان سعدی، توسط فرانتس توسن، بامقدمه
معروف Comtesse de Noailles در معرفی سعدی .
- ۱۹۱۴ - Essai sur Saadi : بقلم Henri Massé .
- ۱۹۲۰ - ترجمه کامل خیام بفرانسه، ۱۴۴ رباعی، توسط Claude Anet
- ۱۹۲۲ - ترجمه کامل حافظ بفرانسه، توسط Charles Deville
- ۱۹۲۵ - ترجمه «بهارستان» جامی بفرانسه، توسط Henri Massé .
- ۱۹۲۵ - ترجمه «یوسف وزلیخای» جامی بفرانسه، توسط A. Bricteux .
- ۱۹۲۶ - ترجمه «گرشاسب نامه» اسدی بفرانسه، توسط
Clément Huart بامتن فارسی، تحت عنوان :
- Le Livre de Gerchâsp, poème persan d'Asadi de
Tous.
- ۱۹۲۷ - ترجمه کامل دیوان حافظ به شعر فرانسه، با سبک غزل فارسی،
توسط Arthur Guy، تحت عنوان :
- Les poemes érotiques ou Ghazels de Chems -
ed - Din Mohammed Hafiz en calque rythmique
et avec rime à la persane.
- ۱۹۳۲ - تأسیس «انجمن مطالعات ایرانی» .
Société des Etudes Iraniennes در پاریس .
- ۱۹۳۴ - جشن هزاره فردوسی در پاریس .
- ۱۹۳۵ - فردوسی و حماسه ملی Firdawsi et l'Épopée nationale
از هانری ماسه Henri Massé .
- ۱۹۵۰ - Anthologie Persane، تاریخچه نظم ایران، از هانری ماسه .

شرح مختصر احوال شعرا و نویسندگان که آثارشان در این مجموعه نقل شده است

کرنی

Corneille

پیر کورنی، «پدر تئاتر فرانسه» و یکی از بزرگترین شعرای این کشور است (۱۶۰۶ - ۱۶۸۴). بسیاری از تراژدی‌های وی عالیترین شاهکارهای تئاتر فرانسه بشمار می‌روند، بطوریکه هنوز هیچکس نتوانسته است در زبان فرانسه آثاری برتر از آنها پدید آورد، *Polyeucte*, *Cinna*, *Horace*, *Cid* و «ردگون، شاهزاده خانم اشکانی» *Rodogune* ازین قبیلند.

کورنی از همان هنگام حیات شهرت و افتخار فراوان بدست آورد و نامش در فرانسه و سراسر اروپا پیچید. اشعار کرنی عموماً محکم و پرطمطراق و گاه بتدری عالی است که بسیاری از آنها بصورت ضرب‌المثل درآمدند. میان کلاسیک‌های فرانسه فقط راسین است که توانسته است

بپای کرنی برسد و گاه از او نیز بالاتر رود .
از کرنی بیست و سه نمایشنامه منظوم باقی مانده که قریب بیست
تای آنها تراژدی است . آخرین تراژدی کرنی که در سال ۱۶۷۴ نوشته
شده ، « سورنا سردار اشکانی » Suréna است که شرح یکی از
پرافتخارترین حوادث تاریخ ایران باستان یعنی بزرگترین شکست تاریخی
رم در مقابل ایرانیان است ، و داستان شکست کراسوس سردار بزرگ روم
ولژیون های معروف رومی را بدست سورنا سردار نامی ارد پادشاه اشکانی
حکایت میکند ، که کرنی آنرا با يك ماجرای شیرین و غم‌انگیز عاشقانه
در آمیخته است .

تراژدی معروف دیگر او بنام «شاهزاده خانم اشکانی» که خود
کرنی آنرا از عالیترین تراژدی های خویش دانسته ، يك اثر بدیع مربوط
بیکی دیگر از صفحات درخشان تاریخ ایران باستان ، یعنی انقراض حکومت
سلوکیدها (جانشینان اسکندر) بدست اشکانیان و پیروزیهای مهرداد کبیر
پادشاه اشکانی است و از حیث «انتريک» فوق‌العاده عالی است .

يك تراژدی معروف دیگر کورنی «آژیبلاس» بدتلفظ یونانی
اگسیلائوس) است که وقایع آن در یونان میگذرد ، ولی قهرمان اصلی
آن يك دختر زیبای ایرانی بنام «ماندان» است که همراه برادر خود
«سپهرداد» سردار ایرانی ، از ایران بدربار اسپارت رفته است .
در هر سه این تراژدیها ، از ایران و پادشاهان و قهرمانان آن با
احترام و گاه با علاقه بسیار یاد شده است .

رترو

Jean de Rotrou

ژان دورترو شاعر و پسی نویسنده فرانسوی ، بزرگترین نویسنده
«دراماتیک» فرانسه در فاصله بین کرنی وراسین است (۱۶۰۹ - ۱۶۵۰) .
رترو بخلاف کرنی عمر زیاد نکرد ، ولی در همان دوران کوتاه زندگانی خود
آثار برجسته‌ای پدید آورد که شاید مهمترین آنها تراژدی «خسرو»
(Cosroès) است . هم شعر رترو و هم قدرت تخیل او از لحاظ هنر
تئاتر و صحنه سازی در ادبیات و هنر فرانسه مقام ارجمنندی دارد، چنانکه
«ولتر» او را «بنیادگذار حقیقی تئاتر دراماتیک در فرانسه» شمرده است .
«خسرو» از معروفترین آثار تئاتری «رترو» است . این پسی ،
تا آنجا که با تاریخ سروکار دارد مربوط بآخر دوران سلطنت خسرو
پرویز شاهنشاه ساسانی است ، ولی جنبه خیالپردازی آن بر تاریخ میچربد،
زیرا نظر اصلی رترو در این پسی آن بوده است که در لفافه از دیسیسه‌ها
و بند و بستهای دربار فرانسه انتقاد کند .
تراژدی «خسرو» را از لحاظ انتريک و حسن جریان صحنه‌ها ،

یکی از عالیترین آثار تئاتری فرانسه شمرده‌اند .
 درین پیس ، خسرو بخاطر عشق زن سوگلی خود شیرین ، تصمیم
 میگیرد از سلطنت استعفا کند و تاج و تخت را علیرغم قوانین کشور به
 مردزان پسر شیرین واگذارد ، اما هم خود مردزان و هم سران سپاه و هم
 مردم سلطنت را حق شیرویه فرزند ارشد خسرو میدانند . این اختلاف باعث
 يك سلسله دسیسه ها و تشنجات و توقیفها و حبس ها میشود که در پایان آن
 خسرو و شیرین جان میسپارند ، و شیرویه بسطنت میرسد .

لافونتن

Jean de La Fontaine

ژان دولافونتن (۱۶۲۱ - ۱۶۹۵) بزرگترین «افسانه نویس»
 فرانسه است ، و قصه های او (Fables) آنقدر در ادبیات فرانسه و
 در تمام جهان شهرت دارد که شاید اثر کمتر شاعر و نویسنده‌ای اینقدر
 سرشناس باشد . در این قصه‌ها که بسیاری از آنها بصورت آثار کلاسیک در
 مدارس تدریس میشود ، لافونتن زشتی‌ها و زیبائیها را با لطف و شیرینی
 و در عین حال قدرت کلام فراوان ، غالباً از زبان حیوانات نقاشی و تشریح
 کرده است و ازین حیث آنرا با کلیله و دمنه ماخیلی نزدیک میتوان شمرد .
 هر چند وی قسمت اعظم از قصه های خود را از اروپا و یونانی اقتباس کرده ،
 ولی تحقیقات متتبعین اروپائی نشان داده که در موارد بسیار ، ملهم و منبع
 اقتباس او آثار شعرا و ادبای ایرانی بخصوص سعدی بوده است . افسانه‌هایی
 از قبیل «رؤیای مغول» ازین قبیل است ، منتها چون در آنها مستقیماً
 از ایران نام برده نشده ، از نقل آنها در این مجموعه خودداری شده است .

بوالو

Nicolas Boileau

بوالویکی از بزرگترین شعرای مکتب کلاسیک فرانسه است . در سال ۱۶۳۶
 در پاریس متولد شد . تحصیلات خود را در رشته الهیات انجام داد و در
 بیست سالگی جواز و کالت دادگستری گرفت ، اما در همه عمر خود حاضر
 بدین کار نشد . از سال ۱۶۶۰ شروع بنوشتن هجویات معروف خویش کرد
 (Satires) که عالیترین نمونه نوع خود در ادبیات فرانسه‌اند و بوالو
 شهرت خویش را مرهون آنهاست . در ۳۷ سالگی به لوئی چهاردهم معرفی
 شد و چهار سال بعد سمت مورخ مخصوص شاه را یافت و در ۴۷ سالگی
 عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شد . دوران پیری او بسیار تلخ گذشت ،

زیرا اول کر وبعد مفلوج شد و در ۱۷۱۱ مرد . بزرگترین دوستانش راسین و لافوتتن بودند .

«هجویات» «مراسلات منظوم» بوالو معروفترین آثار او هستند و هر دو در ادبیات فرانسه مقامی ارجمند دارند .

بوالو با وجود مقام مهم درباری خود ، از مدیحه سرائی گریزان بود و بدین جهت دشمنان بسیار داشت . قطعه‌ای از او که مربوط به اسکندر است و در این کتاب نقل و ترجمه شده ، چندین بار در آثار ولتر نقل شده است ، زیرا تا قبل از او هیچکس بدین تندی اسکندر را هجو نکرده بود .

راسین

Jean Racine

ژان راسین بعد از کرنی ، بزرگترین شاعر دراماتیک فرانسه است (۱۶۳۹ - ۱۶۹۹) . بسیاری ، حتی مقام او را از کرنی بالاتر نهاده‌اند ، زیرا نوشته راسین از لحاظ نزدیکی با عواطف و احساسات واقعی بشر ، از آثار کورنی با حقیقت نزدیکتر است . قدرت و انسجام سخن راسین نیز ، گاه از کرنی فراتر میرود ، بطوریکه بعضی از تراژدی‌های او را «حدکمال تراژدی کلاسیک» دانسته‌اند ، و این صفت بخصوص در تراژدیهای «استر» و «مهرداد» و «آتالی» و «بریتانیکوس» و «اندروماک» صدق میکند .

چهار تراژدی راسین ، بطور مستقیم یا غیر مستقیم ، بایران مربوط است . یکی از آنها Esther است که وقایع آن از اول تا آخر در ایران میگردد ، و از قسمتی از تورات که مربوط به ماجرای عشق خشایارشانست به‌استر دختر زیبای یهودی و نفوذ او در دربار هخامنشی و نجات یهودیان بفرمان شاهنشاه ایران است الهام گرفته است . سه‌تای دیگر «اسکندر کبیر» و «مهرداد» و «بایزید» از نزدیک با تاریخ ایران در زمان سلسله‌های هخامنشی ، اشکانی و صفوی ارتباط دارد . تراژدی اسکندر کبیر مربوط بدورانی است که اسکندر از ایران گذشته و به هندوستان حمله برده بود . تراژدی مهرداد که از عالیتترین شاهکارهای راسین است مربوط بمهرداد پادشاه معروف ارمنستان واتحاد او با شاهنشاه اشکانی برای مبارزه بارومیان است . تراژدی بایزید صفحه‌ای از تاریخ عثمانی در زمان سلطان بایزید است که در ضمن آن از رزم آزمائی سپاه صفوی با عثمانیان سخن میرود .

ولتر Voltaire

فرانسوا ماری ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸) شاعر و نویسنده و فیلسوف بزرگ فرانسه، از برجسته ترین شخصیت‌های تاریخ جهان است. وی قسمت اعظم عمر خود را در «فرنی» کنار دریاچه ژنو گذرانید و در آنجا آثار ادبی و فلسفی و هنری چنان متنوع و متعددی بوجود آورد که شاید کمتر نویسنده‌ای در جهان ازین لحاظ و همچنین از حیث تأثیر فوق‌العاده افکار و نوشته‌های او در تحول تاریخ دنیا، بیای او برسد ولتر بیشک یکی از پایه‌های اساسی فرهنگ فرانسه و اروپا است.

ولتر تقریباً در همه رشته‌های ادبی و فکری: شعر، رمان، ناول، تئاتر، حماسه، تاریخ، فلسفه، نقد ادبی، آثاری از خود باقی گذاشت که هیچکدام از آنها را يك اثر درجه دوم نمیتوان دانست. مشهورترین این آثار عبارتند از: فرهنگ فلسفی، قرن لوئی چهاردهم، محمد، تاریخ شارل دوازدهم، کاندید، صادق، هانریاد، اشعار، مراسلات.

دو تراژدی منظوم ولتر «گبرها» Les Guèbres و «سیت‌ها» Les Scythes مستقیماً بایران مربوط است، مخصوصاً تراژدی اخیر که مربوط بدوران بعد از حکومت کورش و قبل از سلطنت داریوش است و قهرمانان آن غالباً ایرانی هستند. يك تراژدی منظوم دیگر او Semiramis بطور غیر مستقیم مربوط به حمله ملکه معروف آشور بایران و غلبه او بر «زرتشت» موبدمعروف سرزمین «باختر» است - تراژدی «محمد» نیز تا حدی بایران ارتباط دارد. همچنین در اشعار او چندین جا اشاره بایران شده که درین جا از نقل آنها صرف نظر شده است. برای اطلاع بیشتری درباره «ایران در آثار ولتر» به مقدمه این کتاب رجوع شود.

فلوریان Jean de Florian

«ژان پیر کلاریس دو فلوریان» (۱۷۵۵ - ۱۷۹۴) بعد از لافونتین مشهورترین افسانه نویسنده فرانسوی است و Fables های او گام از حیث اشتها با لافونتین برابری میکند. وی پسر برادر زاده ولتر بود، و با اینکه عمرش حتی به چهل سال نیز نرسید، آثاری بدیع بوجود آورد که بعضی آنها را از شاهکارهای نظم و ادب فرانسه دانسته‌اند. فلوریان بخلاف لافونتین در افسانه‌های خود بیشتر بانتقاد از اوضاع و تنبه خواننده اهمیت داده است تا به نقاشی و تجسم مفاسد.

از او تعداد زیادی افسانه و يك قطعه شعر مفصل و دو پيس تئاتر باقی مانده است. از دو افسانه‌ای که در این کتاب ترجمه شده، یکی ظاهراً زاده خیال خود «فلوریان» است، و دیگری از این شعر فارسی الهام گرفته است که:

«اگر زباغ رعیت ملک خوردسیبی برآوردن غلامان اودرخت از بیخ»
در قطعه شعر مفصل Tobie نیز که از تورات الهام گرفته، فلوریان چندین جا به شهر «ری» در ایران باستان اشاره میکند که از نقل آن در اینجا صرف نظر شده است.

آندره شنیه

André Chénier

آندره شنیه، یکی از ظریفترین و زیباترین «قیافه‌های» تاریخ ادبیات فرانسه است. وی نابغه‌ای واقعی بود و شاید در صورت عمری بیشتر، میتوانست از پایه‌های استوار ادب کشور خود شود. اما این نابغه فقط سی و دو سال عمر کرد و در سال ۱۷۹۴، مثل صدها هنرمند و متفکر و نویسنده دیگر فرانسه عصر انقلاب، قربانی گیوتین دوره ترور شد.

وقتی که او را در ارباب محکومین بمرگ بسوی میدان اعدام میبردند، دست بر پیشانی خود زد و گفت: حیف! زیر این پیشانی واقعاً «چیزی» پیدا میشود.

ارزش حقیقی نبوغ و هنر شنیه بعد از مرگ او بهتر معلوم شد، و اکنون عقیده بسیاری از منتقدین ادب اینست که با وجود سن کم وی، شعر او از لحاظ زیبایی و لطف اسلوب و قدرت تخیل، در ردیف عالیشانترین اشعار زبان فرانسه است. از او مجموعه اشعاری غالباً ناقص باقی مانده که معروفترین آنها «دختر اسیر» و «کور» و «بیمار جوان» و «امریکا» و «سرود مرگ» است. چند قطعه شعر یونانی و لاتینی و ایتالیایی نیز از او باقی است.

مارسلین دبرد و المور

Marceline Desbordes - Valmore

خانم مارسلین دبرد و المور، شاعره بزرگ فرانسوی (۱۷۸۵ - ۱۸۵۹) بعد از لویز لابه برجسته‌ترین شاعره این کشور است. وی از خانواده‌ای اشرافی بود که در دوران انقلاب کبیر فرانسه از میان رفت و مارسلین از آن هنگام که دختر جوانی بود با سختی‌های زندگی و باغم و نومیدی آشنا شد. شوهرش «والمور» هنرپیشه تئاتر بود، اما نتوانست

بازیگر بزرگی شود. در عوض زنش شاعر بزرگی شد و قطعاتی چنان ظریف و پر احساسات و دردناک از خود باقی گذاشت که هنوز شعر او در ادبیات فرانسه از عالیترین نمونه‌های «ادبیات شخصی» یعنی وصف عواطف و احساسات خصوصی شاعر بشمار میرود.

بطوریکه معروف است منبع الهام شاعره زیبای فرانسوی در این اشعار، عشق سوزنده و حرمان آمیز این خانم نسبت بمردی بوده است که وی هیچ‌جا نخواسته است صریحاً از او نام ببرد، و بهمین جهت هنوز هویت قطعی این شخص روشن نیست.

قطعه «گل‌های سعدی» را نه تنها بهترین قطعه این خانم، بلکه از عالیترین آثار شاعرانه زبان فرانسه دانسته‌اند.

لامارتین

Alphonse de Lamartine

آلفونس دو لامارتین، شاعر و نویسنده و سیاستمدار بزرگ فرانسوی (۱۷۹۰ - ۱۸۵۹) در ایران نیز باندازه فرانسه شهرت دارد. لامارتین از لحاظ روح شعر و ظرافت شاعرانه، بزرگترین شاعر زبان فرانسه است.

معروفترین اثر لامارتین «تفکرات شاعرانه» است که اولین شاهکار ادبی او بشمار میرود و لامارتین قطعات آنرا در حدود ۲۶ سالگی خویش سرود. انتشار این کتاب آغاز فصل تازه‌ای در تاریخ نظم فرانسه بشمار رفت و مکتب رماتیک را بموفقیت بزرگی رساند. چندین اثر ادبی، دیگر منظوم و منثور او: تفکرات نو، آهنگهای شاعرانه و مذهبی، ژوسلن، سقوط یک فرشته، رازها و گرازیلا همه در زمره شاهکارهای شعر و ادب فرانسه‌اند.

لامارتین در چهل سالگی عضو آکادمی فرانسه و در چهل و چهار سالگی نماینده پارلمان شد و در ۱۸۴۸ حکومت موقتی کشور را بدست گرفت. اما در انتخابات ریاست جمهوری در مقابل ناپلئون سوم شکست خورد و از آن پس فقط بفعالیت‌های ادبی اشتغال جست.

وی سفری طولانی به مشرق زمین کرد و در بیروت اقامت گزید، بدین جهت در کتاب «سفر شرق» و «سقوط یک فرشته» او خیلی از شرق نام برده میشود، منتها مورد بحث او غالباً لبنان و عثمانی است و کمتر بایران که دور بوده توجه شده است.

ویکتور هوگو Victor Hugo

ویکتور هوگو معروفترین و «جهانی‌ترین» نویسنده و شاعر فرانسوی است. وی در طول هشتاد و سه سال عمر دراز خود (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵) بقدری آثار متنوع و بدیع در کلیه رشته‌های ادب از نظم و نثر و رمان و ترجمه و تئاتر و انتقاد ادبی و غیره پدید آورد که از این حیث در تاریخ ادب فرانسه جز ولتر رقیبی ندارد.

هوگو از ده سالگی به شعر گفتن پرداخت و در بیست و پنج سالگی شاعری سرشناس بود، بطوریکه با وجود سن کم، بر اثر اشعار محکم و قوی و عالی خود، در رأس مکتب رمانتیک قرار گرفت. او نیز مثل لامارتین عضویت آکادمی فرانسه و پارلمان و نمایندگی در مجالس مهم مقننه نائل شد و مثل لامارتین بر اثر مخالفت با ناپلئون سوم و کودتای او، از سیاست کناره گرفت. بیست‌سال نیز بحال تبعید دوران کشور خود بسر برد. در ۱۸۷۰ بفرانسه بازگشت و در ۱۸۸۱ مرد، و هنگام مرگ «بزرگترین قهرمان قرن نوزدهم فرانسه» لقب گرفت. در تمام دنیا هوگورا یکی از بالاترین شخصیت‌های ادبی تاریخ جهان شمرده‌اند.

مهمترین آثار او عبارتند از: بینوایان؛ افسانه قرون؛ شرقیات؛ برگهای خزان؛ عقوبات؛ نتردام دوپاری؛ هرنانی؛ کرومول؛ روی‌بلا؛ شاه تفریح میکند.

در مجموعه چند هزار صفحه‌ای اشعار ویکتور هوگو، بکرات از ایران بصورت‌های مختلف سخن رفته‌است، و تصادفاً در «شرقیات» اوست که جز اشاره‌ای چند درباره ایران دیده نمیشود. دو قطعه از قطعات هوگویی بنام «آسیا» یا سیصد سرباز، در شرح حمله خشایارشا بیوان، و دیگری «آئین مانی» در تشریح فلسفه مانوی، قطعاتی طولانی است و بقیه قطعات کم‌وبیش کوتاه است. برای اطلاع بیشتری درباره ایران و هوگو بمقدمه این کتاب رجوع شود.

تئوفیل گوتیه Théophile Gauthier

تئوفیل گوتیه، شاعر و منتقد قرن نوزدهم فرانسه (۱۷۸۲ - ۱۸۶۸) از شخصیت‌های برجسته رمانتیسیم بشمار میرود.

دیوان معروف او Emaux et Camées از آثار زیبای ادبی قرن نوزدهم فرانسه است. رمانهای او نیز، که از آن میان «کاپیتن

فراکاس» و «رمان مومیائی» مشهورند، از آثار ادبی درجه اولند. تئوفیل گوتیه نقاد ادبی بزرگی بود و کتاب او در نقد ادبی که Grottesques نام دارد در دوره خود شهرت بسیار یافت.

لکنت دولیل Lecomte de Lisle

لکنت دولیل (۱۸۱۸ - ۱۸۹۴) موجد ورهبر مکتب ادبی معروف Parnasse که مکتب جمال پرستی و خوش آهنگی فوق العاده جملات و کلمات و عدم تجلی خود شاعر در اشعار اوست، یکی از بزرگترین شعرای قرن نوزدهم فرانسه است. وی در جوانی به هندوستان و اندونزی سفر کرد و از این سفر خاطرات و احساساتی همراه آورد که بعدها مایه اصلی قسمت مهمی از شاهکارهای شعری پر آب و رنگ او شد. در مراجعت بفرانسه بتحصیل تاریخ و زبان یونانی پرداخت و «ایلیاد» هم را بفرانسه ترجمه کرد. در ۲۴ سالگی اولین اثر شاعرانه بزرگ خود را بنام Poèmes Antiques انتشار داد. دو سال بعد اثر دیگری بنام Poèmes et Poésies و هشت سال پس از آن سومین اثر شاعرانه معروف خویش را بنام Poèmes Barbares منتشر کرد. این سه مجموعه شعر، او را باوج شهرت رسانید و در رأس مکتب ادبی «پارناس» قرار داد که هردیا، فرانسوا کوپه، مالارمه، ورلن، سولی پرودم و غیره جزء آن بودند پس از مرگ ویکتورهوگو وی بجانشینی او بعضویت آکادمی فرانسه انتخاب شد.

شعر لکنت دولیل شعری است فوق العاده خوش آب و رنگ و خوش آهنگ ولی پیچیده و پراز ریزه کاری و سجع و قافیه. قدرت صحنه سازی و تجسم مناظر و نقاشی رنگها و دوره ها و محیط های مختلف در نزد او تقریباً بحد کمال رسیده است. بسیاری از اشعار او مربوط بحوادث تاریخ گذشته جهان و قسمتی نیز مربوط به مشرق زمین است.

سه قطعه بسیار زیبای او، که مفصلترین آن داستان عجیب و شاعرانه «نور محل» دختر ایرانی است که ملکه هندوستان شد در این جا ترجمه شده است.

قطعه «گل های اصفهان» از قطعات بسیار معروف اوست که توسط یکی از آهنگسازان بزرگ فرانسوی بموسیقی درآمده است.

فرانسوا کوپه François Coppée

کوپه ، از اعضای برجسته مکتب ادبی « پاراناس » بود ، و بخلاف سایر شعرای پاراناس که در اشعار خود به توده مردم و امور اجتماعی کاری نداشتند ، خیلی با مردم عادی نزدیک بود . اوقات خود را غالباً در محلات فقیرنشین و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها می‌گذرانید و احساساتی را که از این راه در او پیدا میشد در اشعارش منعکس میکرد . فرانسوا کوپه در ۱۸۴۲ در پاریس متولد شد و در ۱۹۰۲ در همان شهر وفات یافت . در ۱۸۸۴ عضویت فرهنگستان فرانسه درآمد . نخستین اثر شاعرانه مهم او «Le Reliquaire» در سال ۱۸۶۶ منتشر شد .

سپس پیای کتابهای معروف *Intimités* ، «اشعار مدرن» ، «رهگذر» ، دفتر قرمز ، اولیویه ، تبعیدی ، داستانهای منظوم ، آخر فصل ، گفته‌های صمیمانه از طرف او انتشار یافت . پانزده اثر تئاتری کمدی یا درام و چندین رمان از او باقی مانده که تقریباً همه با موفقیت کامل مواجه شده‌اند . از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۳ ، مجموعه آثار ادبی او در ۱۰ جلد انتشار یافت . قطعه «دوگور» که در این کتاب نقل شده ، از قطعات شاعرانه زیبای او بشمار میرود .

آناتول فرانس Anatole France

آناتول فرانس (۱۸۴۴ - ۱۹۲۴) ، بیش از آن در ایران مشهور است که احتیاج به معرفی داشته باشد . وی را بسیاری از منقدین ادب « پادشاه نثر فرانسه » لقب داده‌اند ، زیرا کمتر نویسنده‌ایست که از لحاظ قدرت ادبی و زیبایی و خوش‌آهنگی جملات و عبارات و ذوق و ظرافت با او برابری کند . نوشته آناتول فرانس را از بسیاری جهات با عالیت‌ترین شاهکارهای کلاسیک فرانسه همپایه دانسته‌اند .

این نویسنده بزرگ که پس از مرگ « گل قریحه نژاد لاتین » لقبش دادند ، در مدرسه بعنوان ضعف استعداد ادبی رد شد و معلومات خود را بطور خصوصی و از روی مطالعات شخصی آموخت .

زندگانی ادبی خویش را با شاعری آغاز کرد ، و اولین اثر شاعرانه او در سال ۱۸۷۳ بنام اشعار طلائی *Poèmes dorés* منتشر شد . سه سال بعد یک اثر منظوم دیگر بنام *Noces Corinthiennes* انتشار داد ، ولی پس از آن بکار نثر پرداخت و تا آخر عمر همین رشته را دنبال

کرد. نخستین کتاب مثنوی او موسوم بود به *Jocaste et le chat maigre* (۱۸۷۷) - دومین کتاب وی « جنایت سیلستر بونار » که از آکادمی فرانسه جایزه گرفت ، او را ناگهان شهرت رسانید . از آن پس بترتیب آثار متعددی از او انتشار یافت که بهترین آنها از این قرارند : کتاب دوست من (۱۸۸۵) . حیات ادبی (مجموعه مقالات ادبی او در روزنامه *Temps* که از ۱۸۸۷ تا ۱۸۹۳ منتشر شد و در ۱۸۹۲ بصورت مجموعه‌ای مستقل در ۴ جلد انتشار یافت) - بالتازار (۱۸۸۹) - تائیس (۱۸۹۰) - جعبه صدفی (۱۸۹۲) - بریان پزی ملکه سبا (۱۸۹۳) - عقاید ژروم کوانیار (۱۸۹۳) - سوسن سرخ (۱۸۹۴) - روی سنگ سفید (۱۹۰۵) - جزیره پنگوئن‌ها (۱۹۰۸) - عصیان فرشتگان (۱۹۱۴) - خدایان تشنه‌اند (۱۹۱۷) - پیر کوچولو (۱۹۱۸) .

در ۱۸۹۶ آنا تول فرانس بصویت آکادمی فرانسه انتخاب شد ، و در ۱۹۲۱ جایزه بین‌المللی نوبل را در رشته ادبیات گرفت . وقتیکه مرد ، نام او در سراسر جهان با احترام و علاقه فراوان یاد میشد .

قطعه شعر زیبا و لطیف او بنام « همای » که از شاعرانه‌ترین و ظریفترین اشعاری است که تاکنون در ادبیات جهان راجع بایران سروده شده از کتاب اشعار زرین او ، قسمت موسوم به *Idylles et Légendes* نقل شده است .

ورلن

Paul Verlaine

بل ورلن (۱۸۴۴ - ۱۸۹۶) شاعر معروف نیمه دوم قرن نوزدهم فرانسه ، یکی از شخصیت‌های جالب و عجیب ادبی است . وی آدمی بود سودائی ، غالباً منحرف ، حساس و دائم‌الخمر ؛ از بسیاری جهات به ادگار پو و بودلر شباهت داشت و از بعضی جهات به هیچکس شباهت نداشت . عمر نسبتاً کوتاه خود را بیشتر در حرمان و پریشانی گذرانید . یکبار در بروکسل با دوست بسیار نزدیکی *Rimbaud* که خود شاعر بزرگی است بخاطر اینکه او قصد بازگشت فوری بفرانسه را نداشت بهم زد و ویرا با هفت تیر مجروح کرد و بزندان افتاد .

اما این شخص غیرعادی و مالیخولیائی ، شاعر بزرگی بود و بسیاری از اشعاری که از او مانده از لحاظ ظرافت و ریزه‌کاری و بخصوص قدرت تجسم حالات و روحیات ، از شاهکارهای مسلم و کم‌نظیر است . دو مجموعه *Sagesse, Fêtes Galantes* و *Crimes Amoris* او از آثار ادبی عالی قرن نوزدهم بشمار میروند . قطعه *Crimes Amoris* از کتاب «خرد» او نقل شده است .

ژان لاهور

Jean Lahor

ژان لاهور (۱۸۴۰ - ۱۹۰۹) مانند لوکنت دولیل و فرانسوا کوپه ، از اعضای برجسته مکتب ادبی پارناس بود . او را « فیلسوف ترین » شاعر پارناس لقب داده اند ، زیرا وی به فلسفه هندو و ایرانی علاقه بسیار داشت و در این باره مطالعات زیاد نیز کرده بود .

معروفترین اثر شاعرانه وی ترجمه ایست شعر فرانسه از رباعیات غزالی بنام *Les Quatrains d'Al-Ghazali* (۱۸۹۶) . دو اثر منظوم دیگر او که هر دو از لحاظ ادبی برجسته اند ، موسومند به *Melancholia* (۱۸۶۰) و *Illusion* (۱۸۸۸) .

اشعار ژان لاهور مثل غالب شعرای مکتب پارناس پر زرق و برق و خوش آهنگ و غالباً با افکار فلسفی مشرق زمین آمیخته است .

هانری دو رنیه

Henri de Régnier

هانری دورنیه (۱۸۶۴ - ۱۹۳۶) را « کاملترین » شاعر دوره معاصر فرانسه لقب داده اند . وی از طرفداران جدی مکتب « شعر آزاد » است ، ولی اشعار کلاسیک او نیز محکم و عالی است . چندین اثر شاعرانه او : « بازیهای روستائی و خدائی » ، مدالهای رس ، شهر آبها ، صندلی بالدار ، مثل رؤیا ، آئینه ساعات ، همه از بهترین آثار ادبی نیمه اول قرن بیستم فرانسه اند . یکی از منقدین ادب او را « ترکیب آراسته ای از آندره شنیه ، لکنت دولیل و سولی پرودم » دانسته است . زن او خانم ژرار دوویل ، دختر هردیا شاعر معروف ، خود از شاعرهای زبردست دوران معاصر محسوب میشود .

شعر هانری دورنیه شعری گاه « آزاد » و گاه منطبق با قوانین و مقررات جاری شعری است ، ولی در هر دو حال از لحاظ سادگی و استحکام ، صورتی دارد که بدان خاصیت « سهل و ممتنع » میبخشد . سه قطعه این کتاب از اثر معروف او *Le Miroir des Heures* نقل شده است .